

Research Paper



## Prediction of Paranoid Thoughts in Two Dimensions of Reference Idea and Persecutory Delusions in Adolescents based on Perceived Parenting Styles and Affective Family Climate Relationship



Mostafa Hokmabadi <sup>1\*</sup>, Ezzatolah Ahmadi <sup>2</sup>

1. M.A in General Psychology, Azarbaijan Shahid Madani, Tabriz, Iran.
2. Associate professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University. Tabriz. Iran.



DOI: 10.22034/JMPR.2023.16522

DOR: [20.1001.1.27173852.1401.17.66.17.7](https://doi.org/10.22034/JMPR.2023.16522)

URL: [https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article\\_16522.html](https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_16522.html)



### ARTICLE INFO

#### Keywords:

**Paranoia thoughts,  
Reference ideas,  
Persecutory delusions,  
Affective family climate,  
Perceived parenting  
styles.**

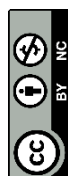
Receive: 2022/11/25

Accepted: 2022/12/19

Available: 2023/08/21

### ABSTRACT

Paranoia is an unfounded and threatening belief that others intend to harm a person, which is spread along a continuum in the clinical and non-clinical population. The aim of the present study is to investigate the relationship between perceived parenting styles and affective family climate with paranoid thoughts in two dimensions of reference idea and persecutory delusions in adolescents. The research method is descriptive and correlational. The statistical population is all the students at upper secondary school in Azarshahr city, from which 321 students selected as samples by available sampling. Research questionnaires included: Parental authority questionnaire buri (1991), Affective family climate Hillburn (1964) and Paranoid Thoughts Scale Green et al (2008). Data analysis was using correlation coefficient and regression analysis. The results showed that there is a negative and significant relationship between the affective family climate and paranoid thoughts in the two dimensions of reference idea and persecutory delusions, and between the authoritative parenting style and persecutory delusions. Also, the results of the regression analysis, the predictor variables were able to predict 5% of the changes in reference idea and 8% of the changes in persecutory delusions.



\* Corresponding Author: Mostafa Hokmabadi

E-mail: mostafahokmabadii1376@gmail.com

## مقاله پژوهشی



## پیش‌بینی افکار پارانوئیا در دو بعد برداشت اجتماعی و هذیان‌های گزند و آسیب در نوجوانان براساس سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و جو عاطفی خانواده



مصطفی حکم‌آبادی<sup>۱\*</sup>، عزت‌اله احمدی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.  
 ۲. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.



DOI: 10.22034/JMPR.2023.16522

DOR: [20.1001.1.27173852.1401.17.66.17.7](https://doi.org/10.22034/JMPR.2023.16522)

URL: [https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article\\_16522.html](https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_16522.html)



## چکیده

## مشخصات مقاله

پارانویا باوری است بی‌اساس و تهدیدآمیز مبنی بر اینکه دیگران قصد آسیب رساندن به فرد را دارند که به شکلی از پیوستار در محیط بالینی و غیربالینی پراکنده است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و جو عاطفی خانواده با افکار پارانوئیا در دو بعد برداشت اجتماعی و هذیان‌های گزند و آسیب در نوجوانان است. روش پژوهش از نوع توصیفی همبستگی می‌باشد. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دوره دوم دبیرستان‌های شهر آذرشهر می‌باشد که از میان آنها تعداد ۳۲۱ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار بررسی شامل پرسشنامه‌های سبک‌های فرزند پروری بوری (۱۹۹۱)، جو عاطفی خانواده هیل برن (۱۹۶۴) و افکار پارانوئیدی گرین و همکاران (۲۰۰۸) می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار سس‌س نسخه ۲۶ استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون انجام شد. نتایج نشان داد بین جو عاطفی خانواده با افکار پارانوئیا در دو بعد برداشت اجتماعی و هذیان‌های گزند و آسیب و نیز بین سبک فرزندپروری مقتدر با هذیان‌های گزند و آسیب رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین براساس نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش‌بینی توانستند ۵ درصد از تغییرات در افکار برداشت اجتماعی و ۸ درصد از تغییرات در هذیان‌های گزند و آسیب را پیش‌بینی کنند.

## کلیدواژه‌ها:

افکار پارانوئیا، افکار برداشت اجتماعی، هذیان‌های گزند و آسیب، جو عاطفی خانواده، سبک‌های فرزندپروری

دریافت شده: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴

پذیرفته شده: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

منتشر شده: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

\* نویسنده مسئول: مصطفی حکم‌آبادی

رایانامه: mostafahokmabadii1376@gmail.com

## مقدمه

نوجوانی دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است که در طی آن یک سری تغییرات مهم تجربه می‌شود (هانلین، هانیو و ژانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). دوره‌ای با تغییرات پویا در سیستم‌های متعدد، که در آن بلوغ همزمان عملکرد عصبی، بیولوژیکی و روانی-اجتماعی، نوجوانی را به دوره‌ای از حساسیت شدید نسبت به تجربیات منفی و مثبت تبدیل می‌کند (سیسک و گی<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲) و این تغییرات ناخواسته موجب تحمیل فشارهای زیادی به نوجوانان می‌شود که باعث بروز مشکلات بسیاری در آن‌ها می‌شود و یکی از دلایل عمده و شایع مراجعه آن‌ها به کلینیک‌های درمانی محسوب می‌شوند (اکرم‌ن و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). بخشی از این مراجعات به پیامدهای مربوط به افکار پارانوئیا<sup>۴</sup> برمی‌گردد. باوری بی‌اساس و تهدید آمیز که هدف دیگران را آسیب زدن تلقی می‌کند (ارین و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰). پارانوئیا دارای ویژگی افزایش تمایل نسبت دادن پیامدهای منفی به الگوی خاصی از تفکر، که شامل ادراک آسیب به خود می‌شود، می‌باشد (گرینبور و ریحانی<sup>۶</sup>، ۲۰۲۲) و با این که تحقیقات کمی در مورد شیوع افکار پارانوئیا در نوجوانان انجام گرفته است، اما مطالعات نشان می‌دهد پارانوئیا در نوجوانان نیز شایع است (پارکر و کینگستون<sup>۷</sup>، ۲۰۲۲). پارانوئیا به عنوان یک طیف در محیط بالینی<sup>۸</sup> و غیر بالینی<sup>۹</sup> در امتداد پیوسته‌ای از شدت در جمعیت عمومی، بین باورهای روزمره مشکوک بودن تا تجربیات بیمارگونه‌تر، مانند باورهای عجیب و غریب و غیرممکن پراکنده است (کنتراس و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۰؛ پارتریج، مگوایر و نیومن تیلور<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۲). مطالعات نشان داده‌اند که افکار پارانوئید ممکن است به طور منظم در تقریباً ۱۵ تا ۳۳ درصد از جمعیت عمومی رخ دهد (اسکون، جایا و لینکولن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۷). بر اساس نظریه گرین و همکاران<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۸) این طیف، به افکار برداشت اجتماعی<sup>۱۴</sup> و هذیان‌های گزند و آسیب<sup>۱۵</sup> تقسیم می‌شود. افراد دارای هذیان‌های گزند و آسیب معتقدند که قرار است آسیبی رخ دهد و افرادی قصد دارند به آن‌ها آسیب برسانند، در حالی که افکار برداشت اجتماعی با مشاهدات و ارتباطات اجتماعی در رابطه است (فریمن و گارتی<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۰). منطقی است که بررسی چرا پارانوئیا تا این حد در جمعیت عمومی رایج می‌باشد؟ بر اساس دیدگاه تکاملی<sup>۱۷</sup>، مکانیسم‌های روان شناختی مانند پارانوئیا کمک می‌کند تا تهدیدات اجتماعی را شناسایی و پیش‌بینی کرده تا

از آنها اجتناب شود (ریحانی و بل<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۸). همچنین برخی از مطالعات نشان می‌دهد از لحاظ شناختی، افراد بهنجاری که امتیاز بالایی در افکار پارانوئیا به دست می‌آورند مشکلات عملکرد حافظه‌ای<sup>۱۹</sup> ضعیف‌تری از جمله در یادآوری<sup>۲۰</sup>، سوگیری‌های حافظه‌ای<sup>۲۱</sup> (یعنی خاطرات نادرست)، خطاهای حافظه<sup>۲۲</sup> (هشدارهای کاذب در تشخیص) و موارد دیگر همچون خطاهای مربوط به انتخاب و برنامه ریزی<sup>۲۳</sup> را در مقایسه با افرادی که امتیاز پایینی در افکار پارانوئیا گونه دارند نشان می‌دهند که می‌تواند علتی بر این افکار باشد (لاو و همکاران<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۱). البته صرف وجود افکار، دال بر وجود اختلال و یا مشکل بالینی نیست، بلکه بیانگر یک شیوه از تفکر است، که در آن اکثر افراد دارای افکار پارانوئید بدون نشانه‌های روان‌پریشی هستند (کوید و همکاران<sup>۲۵</sup>، ۲۰۱۶). ولی مشکل زمانی است که این افکار از حد طبیعی خود خارج شده و فرد دارای سوءظن‌های مکرر و مداوم نسبت به دیگران می‌باشد که تأثیر منفی بر کیفیت زندگی و عملکردش دارد (بیرد و همکاران<sup>۲۶</sup>، ۲۰۱۹)، با انزوای اجتماعی همراه می‌شود (گرینبور و ریحانی<sup>۲۷</sup>، ۲۰۲۲)، در روابط بین فردی<sup>۲۸</sup> شخص مشکل ایجاد می‌کند (هجدوک و همکاران<sup>۲۹</sup>، ۲۰۱۹) و باعث ایجاد احساس آسیب‌پذیری<sup>۳۰</sup> در شخص می‌شود (ریچرز و همکاران<sup>۳۱</sup>، ۲۰۱۹). در این حالت افکار پارانوئید ممکن است به شکلی از هذیان‌های<sup>۳۱</sup> پارانوئید در بین افراد جمعیت عمومی دیده شود که با نرخ شیوع بین ۵ تا ۸ درصد نسبتاً شایع می‌باشد (پولنر، پنگو و مصطفی<sup>۳۲</sup>، ۲۰۱۹).

از تبیین‌های روانشناختی که در باب این شیوه از تفکر وجود دارد می‌توان به تجارب منفی زندگی بین فردی شخص اشاره کرد (هس و همکاران<sup>۳۳</sup>، ۲۰۱۵). تجاربی که اکثر آن‌ها در بستر خانواده شکل می‌گیرد و در زمره مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار قرار دارد. خانواده در شبکه‌ای از الگوهای ارتباطی بین والدین و فرزندان، دارای تعامل متقابلی با توانایی تأثیرگذاری قابل توجه بر یکدیگر هستند (وانگ، هوبنر و تیان<sup>۳۴</sup>، ۲۰۲۱). به این الگو از ارتباط، سبک‌های فرزندپروری<sup>۳۵</sup> می‌گویند. همچنین سبک‌های فرزندپروری، رفتارها و روش‌های ویژه‌ای است که به طور مجزا و متعامل با همدیگر بر رشد فرزند تأثیرگذار هستند (برومر و همکاران<sup>۳۶</sup>، ۲۰۲۱) و در اصطلاح دیگر به معنای تربیت فرزندان است که در هر یک از این سبک‌ها، ارزش‌های والدین، رفتارها

- 19 . Memory function
- 20 . Reminder
- 21 . Memory biases
- 22 . Memory errors
- 23 . Planning
- 24 . Law
- 25 . Coid
- 26 . Bird
- 27 . Interpersonal relationships
- 28 . Hajduk
- 29 . Vulnerability
- 30 . Riches
- 31 . Delusions
- 32 . Polner, Pengue & Moustafa
- 33 . Hesse
- 34 . Wang, Huebner & Tian
- 35 . Parenting styles
- 36 . Brummer

- 1 . Hanlin, Hanyue & Xinyu
- 2 . Sisk & Gee
- 3 . Ackermann
- 4 . Paranoia
- 5 . Erin
- 6 . Greenburgh & Raihani
- 7 . Parker & Kingston
- 8 . Clinical
- 9 . Non-clinical
- 10 . Contreras
- 11 . Partridge, Maguire & Newman-Taylor
- 12 . Ascone, Jaya & Lincoln
- 13 . Green
- 14 . Reference idea
- 15 . Persecutory delusions
- 16 . Freeman & Garety
- 17 . Evolution
- 18 . Raihani & Bell

در نظریه فعالیت<sup>۱۸</sup> خود ارائه داده است، برقراری و پایداری روابط فعال خانوادگی که از جو عاطفی مناسب و مشارکت در تعامل‌های جمعی برخوردار باشد، در پویایی فرد کمک شایانی می‌کند و نیروی بالقوه‌ای برای پشتیبانی سلامت روانی محسوب می‌شود و به غنی شدن احساس بهزیستی ذهنی می‌انجامد. پژوهش‌ها در این زمینه نشان داده‌اند اگر محبت و یکرنگی در بین افراد خانواده حاکم باشد، افراد و به طور ویژه فرزندان فرصت ابراز نظر بدون نگرانی و ترس از تنبیه شدن را پیدا می‌کنند و در مواقعی که لازم باشد از طریق رفتار انطباقی و سازگاران از حقوق خود دفاع کنند (اوباسلاس، مانچینی و لوبی<sup>۱۹</sup>، ۲۰۲۰). جو عاطفی خانواده بر اساس متغیرهایی همچون رفتارهای فرزندپروری خاص و نیز زمان، مقدار و انواع هیجانات ابرازشده توسط اعضای خانواده مشخص می‌شود (ووک، چنگ و وونگ<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۵). محققان معتقدند تجربه‌های اولیه کودکی در رابطه با والدین و چگونگی ارضای نیازهای روانی و عاطفی کودک توسط پدر و مادر و تعاملات والدین با یکدیگر، ساختار شخصیتی فرد و الگوهای رفتاری وی را برای آینده طرح‌ریزی می‌کنند (باکر- فولگهام و همکاران<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۲) و در شکل‌گیری شیوه تفکر فرد نقش بازی می‌کنند (صداقت و سیدموسوی، ۱۳۹۹). در نهایت می‌توان گفت که جو عاطفی خانواده و سبک‌های فرزندپروری در جهت‌دهی تفکر نقش دارند و این پژوهش نیز با توجه به این که تحقیقات، پارانویا را در جمعیت عمومی و بالینی شیوه‌ای از تفکر می‌دانند درصدد بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده با افکار پارانویا در دو بعد برداشت اجتماعی و هذیان‌های گزند و آسیب در نوجوانان می‌باشد.

## روش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان مدارس دولتی پسرانه و دخترانه دوره متوسطه دوم شهر آذرشهر در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود که تعداد آنها مطابق با آمار اخذ شده از اداره آموزش و پرورش این شهر برابر با ۱۸۵۰ نفر بود. با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و با توجه به حجم جامعه مورد نظر، تعداد ۳۲۱ نفر به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شد (برای جلوگیری از ریزش حجم نمونه تعداد ۳۳۰ پرسشنامه توزیع گردید) که از این تعداد ۱۵۵ نفر از اعضای نمونه پسر و ۱۶۳ نفر نیز دختر بودند. برای انتخاب این نمونه ابتدا به شیوه تصادفی بر اساس لیست مدارس ۴ مدرسه انتخاب شد و از بین پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم به صورت در دسترس، افرادی انتخاب و نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها توسط محقق توضیح داده شد و آن‌ها را جهت رفع ابهامات

و تعادل بین پاسخگویی و مطالبه‌گری را منعکس می‌کند (بودودو و ابراهیم<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). در رابطه با سبک‌های فرزندپروری آنچه اهمیت دارد سبک فرزندپروری ادراک شده است، ادراکی که فرزندان از سطوح پاسخ دهنده‌گی (گرمی<sup>۲</sup>) و درخواست (کنترل<sup>۳</sup>) در رفتار والدین دارند و آنچه که فرزند از رفتار والدین ادراک می‌کند نسبت به نگرش والدین به رفتار فرزندپروری خود، اهمیت بیشتری دارد (سهراب زاده فرد و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). بامریند<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) از سه روش فرزندپروری سهل‌گیرانه<sup>۶</sup>، مقتدرانه<sup>۷</sup> و مستبدانه<sup>۸</sup> نام می‌برد و اعتقاد دارد اکثر والدین از این سه روش، برای تربیت فرزندان خود استفاده می‌کنند. در سبک سهل‌گیرانه، والدین کمتر کنترلی بر فرزندان خود دارند و توقعی هم از آنها ندارند، در تشویق و تنبیه فرزندانشان جدی نبوده، انتظار رفتار منطقی از فرزندان خود ندارند و در خانه نیز نظم و ترتیبی در قواعد وجود ندارد. والدین در سبک مقتدرانه دارای رابطه گرم و صمیمی همراه با محبت با فرزندان خود هستند، فرزندان خود را به صورت منطقی کنترل می‌کنند و انتظارات منطقی از آن‌ها دارند. عقاید و احساسات فرزند را در موقعیت‌های مختلف جویا می‌شوند، واکنش منطقی و متناسبی در برابر کودک در امور و موقعیت‌های مختلف نشان می‌دهند و حامی کودک هستند. در نهایت در سبک مستبدانه ما کمتر شاهد رابطه گرم و صمیمی بین والد و فرزند هستیم. در این دسته، فرزندان کمتر اجازه مخالفت با تصمیمات و قواعد را دارند و والدین در کنترل منطقی نمره پایینی به دست می‌آورند (آیون<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷). در فرآیند فرزندپروری، هر پدر و مادری الگوی فرزندپروری متفاوتی دارد (ناسوشن و سیتپو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۸) که کنش‌ها و واکنش‌ها موجود در هر یک، نقش قابل توجهی در کاهش یا افزایش مشکلات جاری دارند (شین، پارک و کی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۲). سبک فرزندپروری اغلب بر رشد رفتار کودکان تأثیر می‌گذارد و کودکان در سبک فرزندپروری مثبت عموماً دارای احساسات مثبت بالاتر، روابط بین فردی هماهنگ‌تر و رفتارهای مشکل‌ساز کمتری هستند (مالوندا و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۹) و در سوی دیگر فرزندپروری ناپه‌نجان ممکن است باعث ایجاد رفتارهای غیرعادی در کودکان شود (آیدین<sup>۱۳</sup>، ۲۰۲۲). این سبک‌ها همچنین به طور غیرمستقیم بر سبک‌های تفکر فردی تأثیر می‌گذارد (توننو و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۲۱). از جمله عوامل دیگری که بر سبک‌های تفکر تأثیرگذار هستند (کلی، کامینسکینه<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۶)، جو عاطفی خانواده<sup>۱۶</sup> است. منظور از جو عاطفی خانواده، نحوه برقراری ارتباط و طرز برخورد افراد خانواده با یکدیگر است. نظر افراد خانواده نسبت به هم، احساسات و علاقه آنها به یکدیگر، چگونگی دخالت یا عدم دخالت آنها در کارهای یکدیگر و همکاری یا رقابت آنها با هم نحوه ارتباط آنها را نشان می‌دهد (فخاریان و همکاران، ۱۳۹۹). بر اساس آنچه نتوگارتن<sup>۱۷</sup> (۱۹۶۴)

- 12 . Malonda
- 13 . Aydin
- 14 . Tonetto
- 15 . Kelly & Kaminskienė
- 16 . Affective family climate
- 17 . Neugarten
- 18 . Theory of activity
- 19 . Ogbaselase, Mancini & Luebbe
- 20 . Kwok, Cheng & Wong
- 21 . Backer-Fulghum

- 1 . Bododo & Ibrahim
- 2 . Warmth
- 3 . Control
- 4 . Sohrabzadeh Fard
- 5 . Baumrind
- 6 . Permissive
- 7 . Authoritative
- 8 . Authoritarian
- 9 . Ayun
- 10 . Nasution & Sitepu
- 11 . Shin, Park & Ki

قسمت) و سطوح بالایی از روایی درونی<sup>۱۰</sup> برخوردار است. (۲=۰.۸۸ برای قسمت الف و ۲=۰.۸۱ برای قسمت ب) (گرین و همکاران، ۲۰۰۵). تحلیل داده‌ها در جامعه ایرانی نشان می‌دهد که همسانی درونی کل مقیاس بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰۸ است. و ضریب پایایی آزمون از طریق بازآزمایی<sup>۱۱</sup> برای کل مقیاس و دو خرده مقیاس آن از نظر آماری معنادار بودند (کل العماد، کراسکیان موجمباری و بهرامی هیدجی، ۱۳۹۷). گزارش آلفا این پژوهش برای مولفه‌های افکار برداشت اجتماعی ۰/۸۵۰ و هذیان‌های گزند و آسیب ۰/۸۸۲ محاسبه گردید. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای کل پرسشنامه ۰/۹۰۱ بود که نشان دهنده پایایی مناسب ابزار است.

**پرسشنامه جو عاطفی خانواده:** پرسشنامه جو عاطفی خانواده هیل برن<sup>۱۲</sup> (۱۹۶۴) جهت بررسی میزان مهرورزی در تعاملات فرزند با والد ایجاد شده است. این پرسشنامه از ۱۶ سوال و ۸ خرده مقیاس (محبت، نوازش، تایید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد کردن و احساس امنیت) تشکیل شده است. نیمی از سوالات به بررسی پیوند عاطفی که بین فرزند و مادر (سوالات زوج) می‌پردازد و ۸ سوال فرد دیگری پیوند عاطفی فرزند و پدر را می‌سنجد. نمره‌گذاری پرسشنامه براساس لیکرت پنج درجه‌ای (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵) انجام می‌گیرد. جمع کل هر یک از نمرات پدر- فرزند و مادر- فرزند به صورت جدا ۴۰ می‌باشد که نمرات بالاتر از حد متوسط نشان دهنده وجود جو عاطفی مناسب بین اعضای خانواده بوده و نمرات پایین‌تر از حد متوسط نشان دهنده جو عاطفی ضعیف در بین اعضای خانواده می‌باشد (مومنی، عباسی، پیرانی و بگیان، ۲۰۱۷). پایایی این ابزار در تحقیق انصاف‌داران و همکاران (۱۴۰۰) به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب این پرسشنامه است. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ پایایی برای مولفه‌های پیوند عاطفی فرزند-پدر ۰/۸۳۸ و فرزند-مادر ۰/۸۴۴ به دست آمد و گزارش آلفا کلی برای این پرسشنامه در این پژوهش ۰/۸۷۵ به دست آمد.

## نتایج

یافته‌های جمعیت‌شناسی پژوهش نشان داد که از ۳۲۱ نفر اعضای نمونه ۱۵۵ پسر (۴۸/۸ درصد) و ۱۶۳ دختر (۵۰/۸ درصد) به عنوان اعضای نمونه انتخاب شدند. دامنه سنی اعضای نمونه بین ۱۵ تا ۱۸ سال و میانگین سنی اعضای نمونه ۱۶.۵۱ می‌باشد. از این میان ۲۴/۶ درصد ۱۵ ساله (۷۹ نفر)، ۲۵/۲ درصد ۱۶ ساله (۸۱ نفر)، ۲۴/۶ درصد ۱۷ ساله (۷۹ نفر) و ۲۵/۵ درصد (۸۲ نفر) نیز ۱۸ سال سن داشتند. برای تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون<sup>۱۳</sup> و تحلیل رگرسیون<sup>۱۴</sup> استفاده شد. از پیشفرض‌های استفاده از این تحلیل‌ها، طبیعی یا بهنجار بودن توزیع متغیرها است. برای آزمون فرض

احتمالی راهنمایی نمود. ملاک ورود در این پژوهش جزئی از نمونه منتخب بودن و ملاک خروج، عدم تمایل جهت شرکت در پژوهش و ناقص پرکردن پرسشنامه‌ها بود. سپس اعضای نمونه در خصوص داشتن آزادی عمل جهت شرکت در پژوهش و محرمانه بودن اطلاعات فردیشان توجیه شدند و از آنها خواسته شد که با حوصله کافی به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دهند.

## ابزار اندازه‌گیری

**پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری:** برای سنجش سبک‌های فرزندپروری از پرسشنامه اقتدار والدین بوری<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) استفاده گردید. این پرسشنامه برای سنجش سه سبک فرزندپروری، مطابق با نظریه بامریند از سه خرده مولفه مستبدانه، مقتدر و سهل‌گیرانه تشکیل شده است که هر کدام از مولفه‌ها دارای ۱۰ گویه هستند و نظر فرد را با استفاده از روش لیکرت<sup>۲</sup>، در مقیاسی از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم اندازه می‌گیرند. بوری (۱۹۹۲) پایایی سه خرده مقیاس مذکور را به ترتیب برای سبک‌های مقتدر، مستبدانه و سهل‌گیرانه ۰/۷۸، ۰/۸۶ و ۰/۸۱ محاسبه کرد. در جامعه ایران هم پس از به فارسی برگرداندن این پرسشنامه توسط مشتاقی و همکاران (۱۳۹۲)، به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ<sup>۴</sup> استفاده شد که برای خرده مقیاس‌های سبک مقتدر، مستبدانه و سهل‌گیرانه به ترتیب، ضرایب آلفای ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۲ به دست آمد. همچنین به منظور تعیین روایی این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی<sup>۵</sup> استفاده شد، مقدار ضریب شاخص کفایت نمونه‌گیری<sup>۶</sup> ۰/۸۰ و مقدار خی آزمون کروییت بارتلت<sup>۷</sup> ۴۰۲۴/۱۵ محاسبه شد که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. در نهایت، از نظر ساختار عاملی، وجود سه عامل در پژوهش حاضر با مدل سه عاملی نظریه بامریند، که این پرسشنامه بر اساس آن شکل گرفته، همسو و سازگار است. در پژوهش حاضر نیز میزان آلفای کرونباخ در سبک‌های مقتدرانه ۰/۸۲۱، سهل‌گیرانه ۰/۷۰۱ و مستبدانه ۰/۸۷۱ به دست آمد که نشان از پایایی قابل قبول ابزار پژوهشی است.

**پرسشنامه افکار پارانوییدی:** این ابزار یک مقیاس خود گزارشی برای سنجش افکار پارانویا در یک ماه گذشته می‌باشد که توسط گرین و همکاران (۲۰۰۸) ساخته شده است. این مقیاس از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول، به سنجش افکار برداشت اجتماعی می‌پردازد (به عنوان مثال "مردم اغلب در مورد من با گوشه و کنایه صحبت می‌کنند") و بخش دوم به سنجش هذیان‌های گزند و آسیب اشاره دارد (به عنوان مثال "مطمئن بودم که کسی می‌خواهد به من آسیب بزند") (کل العماد، کراسکیان موجمباری و بهرامی هیدجی، ۱۳۹۷). هر آیتم در مقیاس لیکرت بین ۱ (اصلاً) تا ۵ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. مجموع نمرات در مقیاس از ۱۶ تا ۸۰ متغیر است. هر چه نمره بالاتر باشد، سطح پارانویا بالاتر است (فریمن، تیلور، ملودینسکی و وایت<sup>۸</sup>، ۲۰۱۹). این مقیاس از همسانی درونی<sup>۹</sup> بالایی (۹۰ =  $\alpha$ ) برای هر دو

8 . Freeman, Taylor, Molodynski & Waite  
9 . Internal consistency  
10 . Internal validity  
11 . Test – Retest  
12 . Affective family climate hillburn questionnaire  
13 . Pearson correlation  
14 . Regression analysis

1 . Parental authority questionnaire Buri  
2 . Likert  
3 . Reliability  
4 . Cronbach's alpha  
5 . Factor analysis  
6 . Kaiser-Meyer-Olkin Measure of sampling adequacy  
7 . Bartlett's Test of Sphericity

همبستگی بین متغیرها با استفاده از همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن در جدول شماره ۳ گزارش شده است. بر این اساس بین جو عاطفی خانواده با افکار برداشت اجتماعی و هذیان‌های گزند و آسیب رابطه منفی و معناداری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با افکار برداشت اجتماعی و هذیان‌های گزند و آسیب رابطه معناداری به دست نیامد ( $P > 0/05$ ). در حالی که بین سبک فرزندپروری مقتدر و افکار برداشت اجتماعی رابطه معناداری به دست نیامد ( $P > 0/05$ ), اما ارتباط سبک فرزندپروری مقتدر با هذیان‌های گزند و آسیب رابطه منفی و معناداری وجود دارد ( $P < 0/05$ ). همچنین بین سبک فرزندپروری مستبد و افکار برداشت اجتماعی هم رابطه معناداری وجود ندارد ( $P > 0/05$ ), اما بین سبک فرزندپروری مستبد با هذیان‌های گزند و آسیب رابطه منفی و معناداری وجود دارد ( $P < 0/05$ ).

جدول شماره ۳: نتایج ضریب همبستگی بین متغیرها

P	هذیان‌های گزند و آسیب	P	افکار برداشت اجتماعی	متغیرها
0/01	-0.25	0/01	-0.20	جو عاطفی خانواده
0.86	-0.01	0.23	0.06	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه
0.02	-0.12	0.70	-0.02	سبک فرزندپروری مقتدر
0.01	0.16	0.06	0.10	سبک فرزندپروری مستبد

در ادامه، از رعایت پیشفرض‌های اجرای رگرسیون یعنی نرمال بودن، بررسی داده‌های پرت، خطی بودن رابطه، خطاهای استقلال و تعداد کافی نمونه اطمینان حاصل شد. سپس به منظور تعیین ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرهای پیش‌بین با افکار برداشت اجتماعی و هذیان‌های گزند و آسیب از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده گردید که نتایج رگرسیون مولفه افکار برداشت اجتماعی و ضرایب آن در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

بهنجار بودن متغیرهای اصلی پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرونوف<sup>۱</sup> استفاده شد که نتایج آن حاکی از غیرنرمال بودن متغیرها بود. بنابراین با استفاده از ابزار SPSS به نرمال کردن متغیرها اقدام شد. در فرآیند تبدیل کردن داده‌ها به داده‌های نرمال بایستی توجه داشت که آماره‌های توصیفی تقریباً ثابت نگه‌داشته شود. جهت این کار ابتدا به وسیله فرآیند رتبه‌بندی داده‌ها<sup>۲</sup>، داده‌ها را از کمترین نمره حاصل شده از تقسیم رتبه هر فرد در تعداد نمونه تا بیشترین نمره رتبه‌بندی کرده و سپس با استفاده از روش وارون تابع توزیع<sup>۳</sup> داده‌ها را نرمال ساختیم. نتایج تغییرات میانگین و انحراف استاندارد پس از نرمال سازی در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است که نشان دهنده تغییرات بسیار کم و قابل قبول آنهاست.

جدول شماره ۱: تغییرات میانگین و انحراف استاندارد متغیرها پس نرمال

متغیرها		سازای داده‌ها	
میانگین اولیه	انحراف استاندارد اولیه	میانگین داده‌های نرمال	انحراف استاندارد داده‌های نرمال
۶۶	۹/۶۴	۶۵	۹/۵۴
۲۷	۵/۵۸	۲۷/۴	۵/۵۳
۲۳	۶/۲۵	۳۶/۸	۵/۹۷
۳۷	۶/۰۵	۲۳/۶	۶/۱۶
۳۰	۹/۶۵	۳۱/۶	۹/۵۹
۲۴	۱۰/۴۲	۲۷/۴	۱۰/۱۷

پس از آن آزمون کولموگروف-اسمیرونوف به کار رفت که نتایج این آزمون در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است و با توجه به بزرگتر بودن سطح معناداری از 0/05 می‌توان گفت داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند.

جدول شماره ۲: آزمون طبیعی بودن متغیرهای پژوهش

متغیرها	آماره	سطح معناداری
جو عاطفی خانواده	0/034	0/2
سبک فرزندپروری آسان‌گیر	0/044	0/2
سبک فرزندپروری مقتدر	0/045	0/06
سبک فرزندپروری مستبد	0/040	0/2
افکار برداشت اجتماعی	0/033	0/2
هذیان‌های گزند و آسیب	0/049	0/2

1. Kolmogorov-Smirnov test
2. Rank Cases

جدول شماره ۴: نتایج و ضرایب رگرسیون متغیرهای مورد مطالعه بر افکار برداشت اجتماعی

سطح معناداری	مقدار F	ضریب رگرسیون		مقدار ثابت
		استاندارد نشده	استاندارد شده	
۰/۰۱	۶/۹۶			۳۸/۲۸
۰/۰۱	-۳/۷۲	-۰/۲۱		جو عاطفی خانواده
۰/۱۱	۱/۵۹	۰/۰۹		سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه
۰/۷۴	۰/۳۲	۰/۰۲		سبک فرزندپروری مقتدر
۰/۳۳	۰/۹۶	۰/۰۵		سبک فرزندپروری مستبد
P=۰/۰۰۱		R <sup>2</sup> =۰/۰۵	R=۰/۲۳	F=۴/۷۴
		R <sup>2</sup> adj		درجه آزادی: ۴

همچنین به منظور تعیین ضریب هر یک از متغیرهای جو عاطفی خانواده و سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مقتدر و مستبد با هذیان‌های گزند و آسیب از تحلیل رگرسیون استفاده گردید که نتایج مربوط به نتایج رگرسیون مولفه هذیان‌های گزند و آسیب و ضرایب آن در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول شماره ۵: نتایج و ضرایب رگرسیون متغیرهای مورد مطالعه بر هذیان‌های گزند و آسیب

سطح معناداری	مقدار F	ضریب رگرسیون		مقدار ثابت
		استاندارد نشده	استاندارد شده	
۰/۰۱	۶/۹۸			۴۰/۱۸
۰/۰۱	-۳/۸۴	-۰/۲۲		جو عاطفی خانواده
۰/۱۶	۱/۳۸	۰/۰۸		سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه
۰/۷۴	-۱/۱۴	-۰/۰۷		سبک فرزندپروری مقتدر
۰/۳۳	۱/۶۴	۰/۰۹		سبک فرزندپروری مستبد
P=۰/۰۰۱		R <sup>2</sup> =۰/۰۶۹	R=۰/۲۸	F=۶/۹۲
		R <sup>2</sup> adj		درجه آزادی: ۴

بر اساس نتایج جداول، در این بررسی مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و افکار برداشت اجتماعی (R= ۰/۲۳) و مقدار R<sup>2</sup> برابر با ۰/۰۵ بدست آمد یعنی ۵ درصد از میزان افکار برداشت اجتماعی از طریق متغیرهای

پیش‌بین قابل تبیین است. از بین متغیرهای پیش‌بین تنها جو عاطفی خانواده است که با ضریب بتای ۰/۲۱- توانسته بیشترین نقش را در تبیین واریانس افکار برداشت اجتماعی داشته باشد. ضریب سبک‌های فرزندپروری بر افکار برداشت اجتماعی معنادار نبود (P > ۰/۰۵). همچنین مقدار ضریب همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و هذیان‌های گزند و آسیب (R= ۰/۲۸) و مقدار R<sup>2</sup> برابر با ۰/۰۸ به دست آمد یعنی ۸ درصد از میزان هذیان‌های گزند و آسیب از طریق متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین است. از بین متغیرهای پیش‌بین تنها جو عاطفی خانواده است که با ضریب بتای ۰/۲۲- توانسته بیشترین نقش را در تبیین واریانس هذیان‌های گزند و آسیب داشته باشد، این در حالی است که تاثیر سبک‌های فرزندپروری بر هذیان‌های گزند و آسیب معنادار به دست نیامد (P > ۰/۰۵).

### بحث و نتیجه گیری

این مطالعه به بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و جو عاطفی خانواده با افکار پارانویا در دو بعد برداشت اجتماعی و هذیان‌های گزند و آسیب در نوجوانان پرداخته است. بر اساس آنچه از تحلیل داده‌ها به دست آمد و همانطور که پیش‌بینی می‌شد رابطه منفی معناداری بین جو عاطفی خانواده و افکار پارانویا در دو بعد برداشت اجتماعی و هذیان‌های گزند و آسیب وجود دارد، که با نتایج فریمن و همکاران (۲۰۱۴) و جانسن و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که تجربه جو خانوادگی نامناسب با افزایش احساس شرم بیرونی و خاطرات اولیه طرد شدن همراه است که می‌تواند افکار پارانویا را به دنبال داشته باشد. در مدل نظری که توسط فریمن (۲۰۱۶) ارائه شد، این فرضیه وجود دارد که باورهای منفی نسبت به خود منجر به احساس حقارت، جدایی و آسیب پذیری می‌شود و اعتقاد بر این است که احساس آسیب پذیری یکی از پایه‌هایی است که پارانویا بر آن بنا شده است. از جمله عوامل افزایش این آسیب پذیری می‌توان به حالت‌های عاطفی منفی، عزت نفس پایین و حساسیت بالا نسبت به طرد اجتماعی اشاره کرد (باگروسکا، پیونکه اوبیچ و گاودا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). این عوامل در تحریف افکار و احساسات افراد موثر هستند و با سوگیری‌هایی که شامل اسناد غیرعادی برای تجربیات منفی و یادآوری انتخابی رویدادهای منفی یا تهدیدکننده می‌شوند، می‌توانند افکار پارانویا را به دنبال داشته باشند (شینباوم، کواپیل و بارانتس ویدال<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷).

در بررسی رابطه متغیرهای دیگر این پژوهش بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با افکار پارانویا تنها در بین سبک فرزندپروری مقتدر و هذیان‌های گزند و آسیب رابطه معناداری به دست آمد و بین مابقی متغیرها ارتباطی یافت نشد که مغایر با نتایج پژوهش داچینا و بنتال<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) و رانکین<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۵) است و همسو با پژوهش کاروالو<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۶) است که تفاوت معنی‌داری را در نمونه‌ها با تجارب سبک فرزندپروری متفاوت و فعالیت‌های هذیانی دوران بزرگسالی نشان نداد. افراد دارای افکار پارانویا یا

4 . Udachina & Bental  
5 . Rankin  
6 . Carvalho

1 . Janssen  
2 . Bagrowska, Pionke-Ubych & Gaweda  
3 . Sheinbaum, Kwapil & Barrantes-Vidal

این احتمال که عوامل فرهنگی-اجتماعی ممکن است بر وجود و نمایش این افکار اثرگذار باشد توجه نمود. در باب محدودیت‌های روش‌شناختی این پژوهش باید گفت که داده‌ها از طریق ابزار خود گزارشی جمع‌آوری شدند، لذا در تعمیم نتایج بایستی جانب احتیاط رعایت شود. همچنین، ماهیت طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی می‌باشد که با محدودیت‌هایی در زمینه اسنادهای علت‌شناختی متغیرهای مورد بررسی در پژوهش همراه است. در پایان از کلیه دانش‌آموزان شرکت کننده در پژوهش و اداره آموزش و پرورش شهر آذرشهر جهت همکاری در اجرای این پژوهش تشکر به عمل می‌آید.

### منابع

- احدی، حسن و جمهری، فرهاد. (۱۳۹۵). روانشناسی رشد (نوجوانی، بزرگسالی). تهران: پردیس.
- صداقت، مستوره و سید موسوی، کوثر سادات. (۲۰۲۰). رابطه عملکرد خانواده با سبک تفکر در تربیت کودک. انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۲(۱)، ۲۲-۳۱.
- کل‌العماد، فرزانه سادات. کراسکیان مومجباری، آدیس و بهرامی هیدجی، مریم. (۱۳۹۷). تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس افکار پارانوئیدی گرین و همکاران. سال نهم، شماره سی و یکم، بهار، ۹۷.
- مشتاقی، سعید. میرهاشمی، مالک. و شریفی، حسن پاشا. (۱۳۹۲). بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری ادراک شده در جهت‌گیری هدف پیشرفت دانش‌آموزان. یافته‌های نو در روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی). دوره ۸، شماره ۲۶.
- مومنی، خدامراد. عباسی، مسلم. پیرانی، ذبیح و بگیان، کوله مرز. (۲۰۱۷). نقش هیجان‌پذیری و جو عاطفی خانواده در پیش‌بینی اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان. دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری، ۵(۸)، ۱۵۹-۱۸۲.

بهبود یافته از آن معمولاً گزارش داده‌اند که والدینشان در زمان رشد، از نظر عاطفی سرد و کنترل کننده بوده‌اند (رانکین و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵) و قوی‌ترین ارتباط بین رفتارهای والدینی و پارانوئیا بین بی‌تفاوتی مادر و پارانوئیا و بدرفتاری پدر و پارانوئیا بوده است (براون، وایت و فریمن<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). تجربه سوء استفاده، به ویژه از سوی یک شخصیت قابل اعتماد مانند والدین در دوران کودکی، می‌تواند منجر به ایجاد برداشت‌های منفی در مورد خود و دیگران شود (رید و گوملی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸) و با ایجاد طرحواره‌های<sup>۴</sup> منفی درباره خود و جهان وقوع پارانوئیا را تسهیل کند (جانسن و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). از دیگر عوامل تاثیرگذار بین عوامل مربوط به خانواده و افکار پارانوئیا می‌توان به سبک‌های دلبستگی<sup>۶</sup> فرد اشاره کرد (بنتال و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴) که رایج‌ترین رابطه گزارش شده بین سبک دلبستگی و افکار پارانوئیا، سبک دلبستگی اضطرابی<sup>۸</sup> با پارانوئیا می‌باشد (لاوین و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۲۰). از آنچه که گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که افکار پارانوئیا ناشی از یک عامل نیست، بلکه می‌تواند به‌عنوان شبکه‌های پیچیده‌ای از علائم که بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، باشد. به این معنا که علائم از طرق بیولوژیکی، روانی و مکانیسم‌های اجتماعی به طور علی به هم مرتبط هستند (بورسبوم و رامر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳) که در این بین جو عاطفی خانواده به عنوان یکی از عوامل اساسی در سازگاری روانشناختی با پارانوئیا نیز مرتبط می‌باشد (پرینس-امبوری، ساکلوفسک و نوردستوک<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۷). از آنجایی که درک مکانیسم‌های مسئول این ارتباطات جهت اقدام مداخلات روانشناختی مهم است باید مطالعات بیشتری در بررسی این موضوع انجام شود و اختلاف یافت شده در این مطالعه و مطالعات قبلی توضیح داده شود. محققان باید را در مورد خطرات ناشی از تعمیم بیش از حد یافته‌ها یا ترسیم پیامدهای بالینی مستقیم از مطالعات انجام شده در نمونه‌های غیر بالینی که ممکن است به طور کامل درک نشده و یا ساده‌سازی بیش از حد شده باشند احتیاط کنند. همچنین ممکن است افراد دارای سطح بالایی از افکار پارانوئیدی، افکار خود را ابراز نکنند و سعی در رد کردن افکار پارانوئیدی خود داشته باشند و یا افکار پارانوئیدی را جهت عدم رویارویی با باورهای زیربنایی خود ابراز نکنند. همانطور که در این پژوهش هم نشان داده شد یکی از عوامل تاثیرگذار در سازگاری روانشناختی و ایجاد سلامت روانی، جو عاطفی خانواده و نحوه رابطه اعضای خانواده با یکدیگر می‌باشد که در افکار پارانوئیا هم تاثیر دارد، از این حیث در مداخلات درمانی در این حیطه، بایستی به خانواده و جو عاطفی موجود به عنوان یکی از ارکان مهم مداخله توجه کرد و سعی در بهبود جو عاطفی نامناسب نمود. در اشاره به محدودیت‌های این پژوهش باید گفت که دوره نوجوانی با تغییرات زیاد در ویژگی‌های جسمانی، هیجانی-اجتماعی، شناختی (احدی و جمهری، ۱۳۹۵) و تغییرات هویت در طول این دوران (مارسیا، ۱۹۹۳) همراه است، از این رو پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آینده در این باره سعی در محدود کردن ویژگی‌های مربوط به نمونه داشته باشند. همچنین بایستی به

- 7 . Bentall, de Sousa
- 8 . Anxious attachment style
- 9 . Lavin
- 10 . Borsboom & Cramer
- 11 . Prince-Embury, Saklofske & Nordstokke

- 1 . Rankin
- 2 . Brown, Waite & Freeman
- 3 . Read & Gumley
- 4 . Schemas
- 5 . Janssen
- 6 . Attachment styles



- Ackermann K, Kirchner M, Bernhard A, Martinelli A, Anomitri C, Baker R, Baumann S, Dochnal R, Fernandez-Rivas A, Gonzalez-Madruga K, Herpertz-Dahlmann B, Hervas A, Jansen L, Kapornai K, Kersten L, Kohls G, Limprecht R, Lazaratou H, McLaughlin A, Oldenhof H, Rogers JC, Siklósi R, Smaragdi A, Vivanco-Gonzalez E, Stadler C, Fairchild G, Popma A, De Brito SA, Konrad K, Freitag CM. Relational Aggression in Adolescents with Conduct Disorder: Sex Differences and Behavioral Correlates. *J Abnorm Child Psychol*. 2019 Oct;47(10):1625-1637. doi: 10.1007/s10802-019-00541-6.
- Aydin, A. (2022). Examining the Mediating Role of Mindful Parenting: A Study on the Relationship Between Parental Emotion Regulation Difficulties and Problem Behaviors of Children with ASD. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 1-11. Doi:10.1007/s10803-022-05455-9
- Ayun, Q. (2017). Pola Asuh Orang Tua dan Metode Pengasuhan dalam Membentuk Kepribadian Anak. *ThufuLA: Jurnal Inovasi Pendidikan Guru Raudhatul Athfal*, 5(1), 102. <https://doi.org/10.21043/thufula.v5i1.2421>
- Backer-Fulghum, L. M., Patock-Peckham, J. A., King, K. M., Roufa, L., & Hagen, L. (2012). The stress-response dampening hypothesis: How self-esteem and stress act as mechanisms between negative parental bonds and alcohol-related problems in emerging adulthood. *Addictive behaviors*, 37(4), 477-484.
- Bagrowska, P., Pionke-Ubych, R., & Gawęda, Ł. (2022). Bridging the gap between body image and paranoia-like thoughts. *Journal of Psychiatric Research*.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The journal of early adolescence*, 11(1), 56-95.
- Bentall, R. P., de Sousa, P., Varese, F., Wickham, S., Sitko, K., Haarmans, M., & Read, J. (2014). From adversity to psychosis: pathways and mechanisms from specific adversities to specific symptoms. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, 49(7), 1011-1022.
- Bird, J. C., Evans, R., Waite, F., Loe, B. S., & Freeman, D. (2019). Adolescent paranoia: prevalence, structure, and causal mechanisms. *Schizophrenia bulletin*, 45(5), 1134-1142.
- Bododo, M. M., & Ibrahim, D. S. (2020). Common parenting styles and behaviour disorders among senior secondary school students in gombe metropolis. *Kano journal of educational psychology*, 2(1), 63 -69.
- Borsboom, D., Cramer, A.O., 2013. Network analysis: an integrative approach to the structure of psychopathology. *Annu. Rev. Clin. Psychol*. 9, 91-121. <https://doi.org/10.1146/annurev-clinpsy-050212-185608>
- Brown, P., Waite, F., & Freeman, D. (2021). Parenting behaviour and paranoia: a network analysis and results from the National Comorbidity Survey-Adolescents (NCS-A). *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 56(4), 593-604.
- Brummer, J., Hesse, M., Frederiksen, K. S., Karriker-Jaffe, K. J., & Bloomfield, K. (2021). How do register-based studies contribute to our understanding of alcohol's harms to family members? A scoping review of relevant literature. *Journal of studies on alcohol and drugs*, 82(4), 445-456.
- Carvalho, C. B., da Motta, C., Pinto-Gouveia, J., & Peixoto, E. (2016). Influence of family and childhood memories in the development and manifestation of paranoid ideation. *Clinical psychology & psychotherapy*, 23(5), 397-406.
- Dickson, J. M., Barsky, J., Kinderman, P., King, D., & Taylor, P. J. (2016). Early relationships and paranoia: Qualitative investigation of childhood experiences associated with the development of persecutory delusions. *Psychiatry Research*, 238, 40-45.
- Freeman, D. (2016). Persecutory delusions: a cognitive perspective on understanding and treatment. *The Lancet Psychiatry*, 3(7), 685-692.
- Freeman, D., & Garety, P. A. (2000). Comments on the content of persecutory delusions: does the definition need clarification?. *British Journal of Clinical Psychology*, 39(4), 407-414.
- Freeman, D., Evans, N., Lister, R., Antley, A., Dunn, G., & Slater, M. (2014). Height, social comparison, and paranoia: An immersive virtual reality experimental study. *Psychiatry research*, 218(3), 348-352.
- Freeman, D., Garety, P. A., Bebbington, P. E., Smith, B., Rollinson, R., Fowler, D., ... & Dunn, G. (2005). Psychological investigation of the structure of paranoia in a non-clinical population. *The British Journal of Psychiatry*, 186(5), 427-435.
- Green, C., Freeman, D., Kuipers, E., Bebbington, P., Fowler, D., Dunn, G. et al. (2008). Measuring ideas of persecution and social reference: The Green et al. Paranoid Thought Scales (GPTS). *Psychological Medicine*, 38, 101-111.
- Greenburgh, A., & Raihani, N. J. (2022). Paranoia and conspiracy thinking. *Current Opinion in Psychology*, 101362.
- Hajdúk, M., Klein, H. S., Harvey, P. D., Penn, D. L., & Pinkham, A. E. (2019). Paranoia and interpersonal functioning across the continuum from healthy to pathological—Network analysis. *British Journal of Clinical Psychology*, 58(1), 19-34.
- Hanlin, Ma1., Hanyue, Zhang & Xinyu, Zhang. (2022). The Relationship between Parenting Style and Emotional Development during Adolescence: The Effects of Gender Difference, 2352-5398. doi.org/10.2991/assehr.k.220504.342.
- Hesse, K., Kriston, L., Mehl, S., Wittorf, A., Wiedemann, W., Wölwer, W., & Klingberg, S. (2015). The vicious cycle of family atmosphere, interpersonal self-concepts, and paranoia in schizophrenia—a longitudinal study. *Schizophrenia bulletin*, 41(6), 1403-1412.
- Janssen, I., Krabbendam, L., Bak, M., Hanssen, M., Vollebergh, W., de Graaf, R., & van Os, J. (2004). Childhood abuse as a risk factor for psychotic experiences. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 109(1), 38-45.
- Jaya, E. S., Ascone, L., & Lincoln, T. M. (2017). Social adversity and psychosis: the mediating role of cognitive vulnerability. *Schizophrenia bulletin*, 43(3), 557-565.
- Kelly, E. J., & Kaminskiene, N. (2016). Importance of emotional intelligence in negotiation and mediation. *International Comparative Jurisprudence*, 2(1), 55-60.
- Kwok, S. Y., Cheng, L., & Wong, D. F. (2015). Family emotional support, positive psychological capital and job satisfaction among Chinese white-collar workers. *Journal of Happiness Studies*, 16(3), 561-582.
- Lavin, R., Bucci, S., Varese, F., & Berry, K. (2020). The relationship between insecure attachment and paranoia in psychosis: A systematic literature review. *British Journal of Clinical Psychology*, 59(1), 39-65.
- Law, C. L., Martinez, L. R., Ruggs, E. N., Hebl, M. R., & Akers, E. (2011). Trans-parency in the workplace: How the experiences of

- transsexual employees can be improved. *Journal of Vocational Behavior*, 79(3), 710-723.
- Malonda, E., Llorca, A., Mesurado, B., Samper, P., & Mestre, M. V. (2019). Parents or peers? Predictors of prosocial behavior and aggression: A longitudinal study. *Frontiers in Psychology*, 10, 2379. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.02379>
- Marcia, J. E. (1993). The status of the statuses: Research review. *Ego identity*, 22-41.
- Nalkiashari, S. K., Majreh, S. A., & Akbari, B. (2022). Presenting a Structural Model of the Relationship between Perceived Parenting Styles and High-Risk Behaviors Through Mediation of Resilience and Emotion Regulation in Adolescents. *Quarterly Journal of Psychological Methods and Models Spring*, 13(47).h
- Nasution, M., & Sitepu, J. M. (2018). Dampak Pola Asuh Terhadap Perilaku Agresif Remaja Di Lingkungan X Kel Suka Maju Kec Medan Johor. *Intiqad: Jurnal Agama Dan Pendidikan Islam*, 10(1), 117-140.
- Neugarten, B. L. (1964). Personality in middle and late life: Empirical studies.
- Ogbasele, F. A., Mancini, K. J., & Luebbe, A. M. (2020). Indirect effect of family climate on adolescent depression through emotion regulatory processes. *Emotion*.
- Parker, A., & Kingston, J. (2022). Evaluating a values-based intervention for adolescence with high nonclinical paranoia: A schools-based randomised control trial. *Cognitive Therapy and Research*, 46(3), 620-628.
- Polner, B., Pengue, A., Kéri, S., & Moustafa, A. A. (2019). Cognitive and social cognitive deficits in paranoia. In *Social cognition in psychosis* (pp. 37-69). Academic Press.
- Prince-Embury, S., Saklofske, D. H., & Nordstokke, D. W. (2017). The resiliency scale for young adults. *Journal of Psychoeducational Assessment*, 35(3), 276-290.
- Raihani, N. J., & Bell, V. (2019). An evolutionary perspective on paranoia. *Nature human behaviour*, 3(2), 114-121.
- Rankin, P., Bentall, R.P., Hill, J., & Kinderman, P. (2005). Perceived relationships with parents and paranoid delusions: Comparisons of currently ill, remitted and normal participants. *Psychopathology*, 38, 16-25. doi: 10.1159/000083966.
- Read J, Gumley A (2008) Can Attachment Theory Help Explain the Relationship Between Childhood Adversity and Psychosis? In *Ways towards secure attachment in family and society: International and Interdisciplinary Conference*, Dec, 2007, LudwigMaximilians-Universitat, Munich, German.
- Reed, Erin & Uddenberg, Stefan & Mathys, Christoph & Taylor, Jane & Groman, Stephanie & Corlett, Philip. (2020). Expecting the unexpected: The paranoid style of belief updating across species. 10.1101/2020.02.24.963298.
- Riches, S., Bird, L., Chan, N., Garety, P., Rus-Calafell, M., & Valmaggia, L. (2020). Subjective experience of paranoid ideation in a virtual reality social environment: A mixed methods cross-sectional study. *Clinical psychology & psychotherapy*, 27(3), 337-345.
- Sheinbaum, T., Kwapil, T. R., & Barrantes-Vidal, N. (2017). SA2. Association Between Childhood Trauma and Subclinical Paranoid Beliefs: Do Insecure Attachment Styles Play a Unique Mediating Role?. *Schizophrenia Bulletin*, 43(Suppl 1), S113.
- Shin, S., Park, S., & Ki, E. J. (2022). The Mediation Effects of Fear on the Relationship between Gain/Loss Message Frames and Cognitive/Conative Responses. *Journal of Intelligent Communication*, 1(1), 8-16.
- Sisk LM, Gee DG. (2022). Stress and adolescence: vulnerability and opportunity during a sensitive window of development. *Curr Opin Psychol*. 44:286-292. doi: 10.1016/j.copsyc.2021.10.005.
- Tiernan, B., Tracey, R., & Shannon, C. (2014). Paranoia and self-concepts in psychosis: a systematic review of the literature. *Psychiatry research*, 216(3), 303-313.
- Tonetto, L. M., Brust-Renck, P. G., Ruecker, S., Fogliatto, F. S., & Pacheco, D. A. D. J. (2021). Differences in thinking styles across professionals with different academic backgrounds when developing a product. *Architectural Engineering and Design Management*, 17(1-2), 3-16.
- Udachina, A., & Bentall, R. P. (2014). Developmental pathway to paranoia is mediated by negative self-concept and experiential avoidance. *Psychosis*, 6(2), 143-154.